



اولین همایش ملی
ارتقاء نظام مسؤولیت مدنی در حقوق ایران؛
چالشها و راهکارها
۱۳۹۷ در ۱۵ آذر



تبیین مسؤولیت مدنی پزشک بر اساس قاعده فقهی غرور

فاطمه رجائی

استادیار دانشگاه حکیم سبزواری

f.rajaei@hsu.ac.ir



چکیده:

مسئولیت مدنی پزشک یکی از مباحث مهم حقوق مسؤولیت مدنی است که نه تنها در کشور ما بلکه در کشورهای مختلف مورد بحث واقع و آراء مهمی راجع به آن صادر شده است. هدف از برقراری نظام مسؤولیت مدنی در حوزه پزشکی در حقیقت رسیدن به دو هدف متضاد است. اولی تامین یا تضمین حرفه پزشکی، با این توضیح که در حوزه پزشکی زمینه مسؤولیت مدنی فراوان است. بنابراین نیازمند تامین و پیش‌بینی ساز و کاری است تا پزشکان با اتکا به آن و با طیب خاطر شغل و وظیفه شغلی خود را به جا آورند. اگر مسؤولیت پزشک، مسؤولیت محض و بدون ضابطه باشد، پزشک جرأت جراحی‌ها و درمان‌های سخت و پیچیده را نخواهد داشت و این امر مانع پیشرفت علم پزشکی بوده و در نهایت به زیان بیماران و جامعه خواهد بود. و دومی برقراری زمینه‌ای است تا در صورت بروز خسارات بتوان در چهارچوب آن خسارات و ضایعات وارد بر بیماران را جبران نمود. مسؤولیت مدنی پزشک در حقوق ایران به پیروی از نظر غالب فقها بر دو قاعده فقهی اتلاف و تسبیب استوار است. نتیجه اینکه در صورت صدق عنوان اتلاف بر عمل پزشک، وی مسؤول جبران خسارات بیمار است و این فرض از موضوع بحث این مقاله خارج است. اما در صورتی که پزشک به وظیفه قانونی و اخلاقی خود عمل نکند، در روند درمان بیمار کوتاهی کند یا از طریق عدم آرایه اطلاعات کامل و درست و منجر به آسیب بیمار گردد؛ فرض تسبیب در بروز خسارت و نحوه اثبات تقصیر پزشک با استفاده از قاعده فقهی غرور و تسبیب موضوع تمرکز این مقاله خواهد بود.

واژگان کلیدی: مسؤولیت مدنی، پزشک، تقصیر، غرور، اقدامات فریبنده



۱. مبحث اول: مسؤولیت مدنی پزشک در متون قانونی

در کشور ما تا قبل از تصویب قانون دیات به سال ۱۳۶۱، مسؤولیت مدنی پزشکان تابع قواعد عمومی مسؤولیت مدنی بود و از لحاظ مبنای مسؤولیت اصولاً مبنای تقصیر که در قانون مسؤولیت مدنی مقرر شده بود در این مورد هم قابل اعمال بود. لیکن در قانون دیات ۱۳۶۱ و به دنبال آن در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ چند ماده به این موضوع اختصاص یافت که و با پیروی از نظر و قول گروهی از فقیهان امامیه مسؤولیت محض و بدون تقصیر پزشک را پذیرفته شد. هر چند که این قاعده با پذیرش شرط براءت از ضمان (شرط عدم مسؤولیت) تعدیل شده است اما پذیرش هردو قاعده قابل انتقاد بوده و قانونگذار راه حلی افراطی و تفریطی در پیش گرفته بود.

با تصویب قانون مجازات جدید در سال (۱۳۹۰)، قانونگذار مقررات قبلی را اصلاح نمود و مجدداً به مبنای تقصیر بازگشته است. پذیرش نظریه تقصیر در زمینه مسؤولیت پزشکان مبتنی بر این فکر است که اصولاً تعهد پزشک تعهد به وسیله است نه تعهد به نتیجه؛ یعنی پزشک به موجب قرارداد یا قانون متعهد است بیمار را با رعایت موازین پزشکی مداوا کند و کوشش و مهارت خود را برای درمان بیماران بکار بندد؛ لیکن درمان قطعی (شفا دادن) بیمار در اختیار و مورد تعهد او نیست؛ و به این ترتیب پزشک را فقط هنگامی می توان مسؤول شناخت که تقصیر او به اثبات برسد که این نظر مطابق و همسو با عرف و اقبال جامعه بین المللی است.

قانون مجازات اسلامی در ماده ۴۸۹ در این باره مقرر می دارد: «هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می دهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد، ضامن دیه است، مگر آن که عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد، یا این که قبل از معالجه براءت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود و چنانچه براءت از مریض به دلیل نابالغ یا مجنون بودن او معتبر نباشد و یا تحصیل براءت از او به دلیل بیهوشی و مانند آن ممکن نگردد، براءت از ولی مریض تحصیل می شود.

تبصره ۱- در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل برای وی ضمان وجود ندارد، هر چند براءت اخذ نکرده باشد.



۱-۱. بند اول: بار اثبات تقصیر پزشک در قانون مجازات اسلامی

از ماده ۴۸۹ قانون مجازات اسلامی چنین بر می آید که پزشک اصولاً مسئول زیانهای وارده به بیمار است، مگر اینکه عدم تقصیر او اثبات شود یا براءت اخذ کرده باشد. در این فرض نیز در صورتی پزشک معاف از مسؤولیت است که مرتکب تقصیر نشده باشد. به دیگر سخن، از سبب ماده فوق مبنای فرض تقصیر یا به تعبیری اماره تقصیر قابل استنباط است؛ بدین معنی که اثبات تقصیر لازم نیست؛ ولی پزشک می تواند عدم تقصیر خود را ثابت کند و چنانکه ثابت کند که مقررات پزشکی و موازین فنی را کاملاً رعایت و مرتکب هیچ گونه بی احتیاطی نشده است. هرگاه پزشک از بیمار یا ولی او براءت اخذ کرده و به عبارت دیگر عدم مسؤولیت خود را شرط نموده باشد، بار اثبات تقصیر بر عهده زیان دیده خواهد بود. بنابراین، شرط براءت از ضمان پزشک را از مسؤولیت در صورت اثبات تقصیر معاف نمی کند و فقط بار اثبات را جا به جا می نماید، بدین معنی که اگر براءت از ضمان اخذ نشده باشد، بار اثبات عدم تقصیر بر دوش پزشک و در صورت اخذ براءت بار اثبات تقصیر بر عهده زیان دیده است. تبصره ماده ۴۸۹ قانون جدید نیز مؤید قبول مبنای تقصیر در این قانون است.

۱-۲. بند دوم: مبنای مسؤولیت پزشک در قانون مجازات اسلامی:

با توجه به موارد فوق نظام حقوقی ایران به جهت توجیه مسؤولیت مدنی پزشک به قاعده اتلاف و تسبیب استناد و گفته شده برای مسؤل دانستن پزشک باید رابطه سببیت که از مهمترین ارکان مسؤولیت مدنی است احراز شود و اثبات این امر نیز به طور معمول دشوار است اما اثبات آن به ویژه در دعاوی راجع به خسارات ناشی از حوادث پزشکی دشوارتر است. زیرا اولاً گزارش های واصله پزشکی چندان معتبر و کامل نیستند. درجه صحت گزارشهایی که از حادثه پزشکی، جریان و شرح ماقوع ارائه به لحاظ دخالت عامل ذینفع (پزشک، کادر پزشکی و بیمارستان) به عنوان یک مرجع بی طرف کاملاً قابل اتکا نیست. درثانی معیار و ضابطه مشخص و واضحی جهت تشخیص رفتار متعارف پزشک وجود ندارد. ما نمی دانیم که رفتار متعارف یک پزشک چیست که عدول از آن قصور محسوب شده و مسؤولیت مدنی پزشک را بدنبال داشته باشد. همچنین با توجه به تخصصی بودن حرفه پزشکی اصولاً خانواده بیمار نیز اطلاعی از حدود رفتار متعارف یک پزشک نخواهند داشت.



به جهت رفع این دو ایراد و تسهیل اثبات رابطه سببیت در مسولیت مدنی پزشک می توان از غرور به عنوان قاعده سوم و در کنار دو قاعده دیگر فقهی (اتلاف و تسبیب) استفاده کرد. اگر چه نظام فقهی ما مسولیت مدنی پزشک را بیشتر بر اساس دو قاعده اتلاف و تسبیب توجیه و نظر مشهور فقهی متکی بر قاعده اتلاف است و به قاعده غرور توجه کمتری شده است؛ با این وجود گفته شده که نظر مشهور فقهی به معنی نظر غالب فقها نیست. حقوقدان باید با توجه به شرایط موجود نظری را که برای اداره و گذار جامعه بهتر است را انتخاب نماید.

۲. مبحث دوم: قاعده فقهی غرور

یکی از قواعد مهم و مسلم فقه قاعده غرور است. مفاد قاعده به گونه ای است که می توان در بسیاری از موارد برای اثبات ضرر و زیان بدان استناد نمود. در قانون مدنی این قاعده به صراحت نیامده است ولی مفاد آن در مواد متعدد از قوانین از جمله مواد ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۹۱، ۱۰۳۶ قانون مدنی گنجانده شده است. ضمان غرور به عنوان یکی از مصادیق نوعی مسئولیت مدنی با سه رکن وجود ضرر، ارتکاب عمل نامشروع و وجود رابطه سببیت بر مبنای قواعد کلی مسئولیت مدنی پذیرفته شده است.

۲-۱. بند اول: معنی لغوی و اصطلاحی کلمه غرور

در فرهنگ دهخدا غرر به معنای هلاکت آمده است. در فرهنگ معین غرر به معنی خطر و فریب خوردن است و در فرهنگ عمید، غرر به معنای آن چیزی که باعث تلف کسی یا چیزی باشد آمده است.

مفهوم غرر یکی از مفاهیم پرچالش در فقه میباشد که تعاریف متفاوت و ضابطه های مختلفی از نظر فقها برای آن ارائه شده است. همچنان که از تعریف عرفی و لغوی واژه غرر و موارد آن در فقه استفاده می شود؛ می توان گفت: این قاعده جایی بکار می رود که شخصی عملی انجام دهد یا گفتاری داشته باشد که موجب فریب دیگری شده ضرر و زبانی به وی رساند. بر اساس این قاعده زیان دیده حق دارد به عامل زیان مراجعه نماید. عبارت المغرور یرجع الی من غره بیانگر همین مطلب است. با توجه به تعریف فوق و در یک تقسیم بندی غرر را به قولی و فعلی بخش کرده اند. با این توضیح که چنانچه فرد با بیان الفاظ و عبارات فریبنده و حسب مورد تعریف



بی اساس اسباب فریب مغرور رافراهم کند؛ غرر قولی خواهد بود و اگر عملکرد و رفتار غار سبب فریب و زیان مغرور شود؛ غرر عملی خواهد بود.

نکات زیر به صورت اجمال از تعریف غرر قابل استفاده است.

- ۱- در قاعده غرر قول و فعل تفاوتی ندارد. معیار همان تدلیس و تغیر غار است به هر طریقی که باشد. و غرور هم بر قول و هم بر فعل صادق است.
- ۲- مغرور باید جاهل باشد. زیرا غرور و خدعه نه در لغت و نه در عرف و سنت بر شخص عالم صادق نیست.
- ۳- در غرور تکیه بر شخص فریب خورده است «المغرور یرجع علی من غره» و علم و جهل غار تفاوتی در موضوع ندارد.
- ۴- از غرور و فریب غار باید خسارتی ایجاد شده باشد. به عبارت بهتر وقوع زیان شرط مسؤولیت مدنی و جواز استناد به قاعده غرور است.
- ۵- اگر چه موضوع اختلافی است ولی پذیرفته شده که غرور علاوه بر فعل با ترک فعل نیز محقق میشود.

۲-۲. بند دوم: رابطه بین غار و مغرور

در رابطه بین غار و مغرور چهار حالت قابل تصور است. اولین حالت اینکه: هر دو عالم به حقیقت باشند. برای مثال در فروش اتومبیل فروشنده شروع میکند به تعریف و تمجید از مبیع ولی خریدار علم کامل نسبت به اسقاطی بودن اتومبیل دارد. در این حالت به علت وجود علم و اطلاع از حقیقت، عنصر فریب و نیرنگ وجود ندارد؛ قاعده غرور به اصطلاح خروج موضوعی داشته و جاری نیست. حالت دوم: اینکه غار جاهل است و مغرور آگاه است. برای مثال فروشنده از عیوب مبیع بی اطلاع است ولی خریدار به علت تخصصی که دارد بلافاصله عیوب مبیع را تشخیص داده و میداند که مبیع تصادفی در این مورد نیز به علت علم مغرور به واقعیت جایی برای اعمال قاعده غرور نیست. حالت سوم ناظر به علم غار و جهل مغرور به حقیقت است. برای مثال پزشک به دروغ ادعا می نماید که متخصص پوست و جراح است. اقدام به جراحی میکند و خسارات به بار می آید. بیمار نسبت به حقیقت جاهل بوده و قدر متیقن اعمال قاعده غرور همین جاست. و حالت چهارم اینکه هم غار و هم مغرور جاهل به حقیقت و وضعیت فریب آمیز باشند. برای مثال پزشک با توجه به جواب آزمایش پزشکی بیماری

را سرطان تشخیص و اقدامات در مانی آن را آغاز میکنند در حالی که در جواب آزمایش خطا وجود دارد و این اقدامات منجر به زیان بیمار گردد.

در خصوص جاری بودن قاعده غرر در فرض چهارم اختلاف نظر وجود دارد. به نظر مشهور فقهی در خدعه، فریب و نیرنگ علم غار شرطیت دارد و قاعده غرر را در فرض سوئیت و اطلاع غار جاری می دانند. بنابراین مشهور فقها اغرا را در فرض چهارم جاری و حاکم نمی دانند. در مقابل اقلیت اغرا را جزئی اعمال قصدیه نمی دانند و بیشتر به افعال توجه دارند تا به انفعال. این دسته معتقدند که به جای اینکه بپرسیم آیا پزشک قصد فریب بیمار را دارد باید پرسیده شود که آیا بیمار فریب خورده است؟ چنانچه شرایط و اوضاع احوال به گونه ای باشد که در نظر یک انسان متعارف، منجر به اشتباه شود؛ همین برای مسئول دانستن پزشک و عامل زیان کفایت می کند. و در فرض چهارم نیز اغرا را جاری میدانند. اقلیت معتقدند قاعده غرر را باید با توجه به مفاد حکم عقل و عرف جاری در جامعه بررسی کرد. امروزه دامنه مسولیت مبتنی بر تقصیر و بدون تقصیر چنان گسترش یافته که دیگر هیچ کس از منظر حقوقی به عنصر معنوی رفتار توجه نداشته و از دامنه اخلاقی بودن مسولیت کاسته شده و بیشتر بر ضرورت جبران خسارات زیاننده تاکید میشود. بنابراین نظر دوم با وضعیت حاضر جامعه و حقایق علمی مناسبتر است و از دشواری اثبات آگاهی پزشک از ورود خسارت نیز میکاهد.

۲-۳. بند سوم: سوابق استفاده و اعمال قاعده غرر در فقه

در فقه آمده است که چنانچه پدری دخترش را در حالی که مبتلا به بیماری برص است به دیگری شوهر دهد؛ پدر مسول پرداخت مهرالمثل دختر به شوهر خواهد بود. یا اشاره شده است به شهادت دروغ. در جایی که شاهد به عمد و دروغ ادای شهادت نماید و موجب ضرر گردد برای مثال به شهادت دروغ شاهد شخصی به اعدام محکوم شود و پس از آن کذب بودن و عمد شاهد مشخص گردد گفته شده شاهد دروغ مرتکب قتل عمد شده و به اعدام محکوم می شود. ولی چنانچه شاهد به سهو شهادت کذب دهد فقط مسولیت مدنی متوجه وی خواهد بود.

۲-۴. بند چهارم: دلایل اثبات و مستندات قاعده غرر



۲-۴-۱. آیات قرآن کریم

حکم این قاعده به طور مستقل از آیات قرآن به دست نمی آید. اما در برخی از آیات بر لزوم اجتناب از معاملاتی که در آنها مصادیق اکل مال به باطل وجود دارد اشاره شده است. علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۲۹ سوره نسا در خصوص عبارت « لا تاكولو اموالكم بینكم بالباطل » اشاره داشته که قید بالباطل، از معاملاتی نهی میکند که مضر و زیان بخش بوده و منجر به هلاکت و فساد می گردد. از جمله این معاملات می توان به معاملات غرری، ربوی و قماری اشاره کرد.

۲-۴-۲. اجماع

برخی از فقها نظیر مرحوم شیخ انصاری، مراغی و نراقی معتقدند که به اجماع حکم بطلان بیع به علت غرر، حکم امام معصوم است و این قاعده مورد اتفاق شیعه و سنی است.

۲-۴-۳. روایات

بدون تردید مدرک اصلی قاعده نفی غرر حدیث معروف از پیامبر اکرم(ص) است که علی الظاهر از قضاوت های ایشان می باشد. « نهی رسول الله (ص) عن البیع المضطر و عن بیع الغرر » که رسول خدا از بیع در حالت اضطرار و بیع غرری نهی کرده است. در جای دیگری صورت نهی رسول خدا عن بیع الغرر و بیع الحسا نیز نقل شده است. حدیث های مفصل دیگری نیز نقل شده است که بیان آنها از حدود اجمال این مقاله خارج است. نکته قابل ذکر اینست که: ممکن است ایراد شود که این قاعده اصطیادی است و برگرفته از کلام معصوم است ولی عین کلام معصوم نیست. اما در مقابل عده ای از فقها معتقدند که این روایت نص نبوی است و از کثرت استفاده و استناد فقها، سندش حذف شده است. در هر صورت به جهت زمینه عقلایی آن می شود به آن استناد کرد.

۲-۴-۴. بنای عقلا

چهارمین دلیل برای اثبات این قاعده و مدرک معتبر بر معامله غرری، بنای عقلا است. گفته شده فلسفه باطل بودن معامله غرری رفع مشاجره بین مردم است. اینکه که غرر در هر معامله ای منجر به بطلان آنست.



۲-۵. بند پنجم: رابطه بین غرور و تسبیب

همچنان که گفته شد غرور نوعی تسبیب است. در جایی که به واسطه فریفته شدن خسارتی به شخص وارد و متحمل ضرری شود؛ عنوان تسبیب پیدا میکند. نویسندگان فقهی نیز بر این موضوع اذعان داشته اند و غرور را شبیه به تسبیب و نوعی از آن دانسته اند. ولی آنچه که این دو عنوان را از هم متمایز میکند، ضرورت فریفته شدن شخص در غرور است. در حالی که در تسبیب هر عنوان مقصرانه زمینه مسؤولیت را فراهم میکند. در حقیقت گفته شده است که غرور نوع ویژه ای از تسبیب است که تقصیر در آن به شکل فریفتن مغرور و با ایجاد شرایط فریب دهنده توسط غار متجلی می شود.

۳. مبحث سوم: اعمال قاعده غرر در مسؤولیت مدنی پزشک

در وضعیت حاضر جامعه رابطه و قرارداد بین پزشک و بیمار اصلا قابل مقایسه نیست با رابطه طرفین قراردادی که در خصوص اطلاعات راجع به مورد معامله در یک برابری نسبی اند. سطح اطلاعات مراجعه کنندگان به پزشک و مراکز درمانی بسیار پایین تر از پزشک و مراکز درمانی است. بیمار به امید درمان به پزشک و مراکز درمانی مراجعه می نماید و در بدو ورود انتظار معالجه و درمان دارد. در عین حال به جهت تخصصی بودن موضوع و سطح اطلاعات پایین خود تابع نظر پزشک خواهد بود. به همین جهت عنصر فریب و اغرا در حوزه پزشکی متفاوت از حوزه سایر معاملات است و مفهومی کاملا عرفی خواهد داشت و از موردی به مورد دیگر متفاوت خواهد بود. برای مثال در حوزه مسؤولیت پزشک صرف عدم انتقال اطلاعات راجع به بیماری، نحوه و روشهای درمان یا عوارض بیماری میتواند نوعی فرفتن و تقصیر محسوب گردد در فرضی که بیمار با عارضه سنگ کیسه صفرا به پزشک جراح مراجعه و جراح پس از تشخیص، روش درمان را انتخاب مینماید. در حالت عادی عمل سختی نخواهد بود و بیمار یک روز پس از جراحی نیز مرخص خواهد شد. اما بیمار سه روز پس از جراحی در بیمارستان فوت مینماید. یا برای مثال در اتفاق انتقال خون های آلوده معروف به پرونده هموفیلی،



سازمان انتقال خون، خون آلوده در اختیار متقاضیان و بیماران قراردادده بود. این عمل منجر به ورود خسارت گردید. باید توجه داشت که اصل بر اینست: خونی که از این مراکز تهیه می شود پاک است و آلوده به بیماری نیست. افراد به اعتبار و اعتمادی که دارند به این سازمان مراجعه می نمایند. و چنانچه غیر از این باشد بیمار فریفته شده است و خسارات با توجه به شرایط اغرا آمیز قابل مطالبه است و این در حالی است که سازمان با توجه به امکانات و شرایط آن زمان کشور مرتکب تقصیر نشده بود چرا که امکانات سازمان قابلیت تشخیص ویروس اچ آی وی را نداشت. در نهایت نیز دادگاه تقصیری را متوجه این سازمان ندانست.

در کلیه مثال های بالا فارغ از تقصیر یا عدم تقصیر پزشک، آنچه که باعث رغبت بیمار به استفاده و مراجعه به یک پزشک یا مرکز درمانی شده است؛ امکانات، تخصص تبحر و امید و انتظار درمان است. و همین قدر که شرایط مطابق انتظار متعارف پزشکی پیش نرود و خسارتی خارج از حیطه عرف پزشکی به بار آید؛ بیمار مغرور واقع شده و حق مراجعه به پزشک و مطالبه جبران خسارات را خواهد داشت. بنابراین در موردی که عنصر فریفتن و غرر و جود ندارد؛ برای مثال هنگام پذیرش بیمار توسط بخش اورژانس بیمارستان، پزشک هیچ نوع عمل اغرا آمیزی مرتکب نشده است و چنانچه ضرری از ناحیه پزشک و کادر پزشکی به بیمار وارد آید؛ خسارات بر اساس اتلاف و تسبیب و با احراز رابطه سببیت و تقصر پزشک قابل مطالبه است. اما زمانی که بیمار با توجه به نام، تشخیص و توضیحات پزشک در حضور بیماری و سیر درمان یا امکانات مرکزی درمانی مغرور شده به اقدامات پزشکی تن در میدهد؛ اما نتیجه مورد نظر حاصل نمی شود؛ می توان مسؤولیت پزشک را بر اساس قاعده غرر اثبات کرد.

۴. نتیجه گیری

در نهایت می توان گفت: با توجه به دشواری اثبات تقصیر پزشک (اینکه یقین نداریم گزارش هایی که از پرونده پزشکی بیمار ارائه شده منطبق با واقعیت باشد و درجه صحت گزارشها قابل اندازه گیری نیست و همچنین با توجه به اینکه تشخیص تقصیر پزشکی امری تخصصی بوده و مراجع تشخیص این موضوع معمولاً فقط در شرایط بسیار واضح اظهار نظر میکنند) زیان دیده حادثه پزشکی و مراجع قضایی می توانند به استناد قاعده اغرا از قواعد دست و پاگیر احراز تقصیر و رابطه سببیت رهایی یافت و مسؤولیت پزشک را در کنار دو قاعده دیگر اتلاف و تسبیب بر اساس اغرا تبیین نمایند. ویژه گی وجه تمایز قاعده غرر نسبت به دو قاعده دیگر



اولین همایش ملی
ارتقاء نظام مسؤولیت مدنی در حقوق ایران؛
چالشها و راهکارها
۱۳۹۷ د ۲۱۵



اینست که اولاً به عرف و مقتضیات حال جامعه کنونی سازگاری بیشتری دارد و در ثانی تأکیدش بر زیان‌دیده (المغرو یرجع الی...) بود. غرر و مسؤولیت مدنی پزشک را با توجه به عرف و انتظار جامعه تبیین و احراز تقصر را از تخصص و انحصار جامعه پزشکی خارج کرده است. با اتکا به این قاعده هدف دوم حقوق پزشکی که پیش‌بینی ساز و کار تأمین برای اثبات تقصیر و جبران خسارات بیماران است هر چه بهتر تأمین خواهد شد.

منابع:

- ۱- آل کاشف الغطا، محمد حسن. تحریرالمجله، جلد اول، قم، ۱۳۵۹
- ۲- الهی منش، محمد رضا. حقوق کیفری و تخلفات پزشکی؛ انتشارات مجد، ۱۳۹۴، چاپ چهارم
- ۳- دهخدا، علی اکبر. فرهنگ دهخدا، جلد ۳۱. ۱۳۲۵
- ۴- عباسی، محمود. مجموعه مقالات حقوق پزشکی، ۶ جلد، تهران، حقوقی چاپ دوم، ۱۳۸۳
- ۵- علیزاده اصل. محمد، بررسی ضابطه غرر در معاملات جدید، فصلنامه علمی پژوهشی، سال پنجم، ۱۳۹۴
- ۶- عمید، حسن. فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر، چاپ ۲۲، ۱۳۸۱
- ۷- کاتوزیان، ناصر. حقوق مدنی ضمان قهری، مسؤولیت مدنی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۹
- ۸- کاتوزیان، ناصر. ۱۳۸۵، الزامهای خارج از قرارداد، چاپ پنجم، نشر میزان



اولین همایش ملی
ارتقاء نظام مسؤولیت مدنی در حقوق ایران؛
چالشها و راهکارها
۱۳۹۷ در ۲۱۵



۹- معین، محمد. فرهنگ فارسی، ۶جلد، تهران، امیر کبیر، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۵